دو واژه‌ی «شکل» و «شبه» از دیدگاه فقه اللغة

ایشان «شبه» و «شکل» را تقریباً به این صورت معنا کرده است: جلوتر عرض کردم، مطلبی که ایشان به زیبایی می‌گوید، «ثبّ» و «بثّ» بود. می‌گوید: «باء للالصاق»؛ در باء، یک نحو اجتماع هست و در «ث» نیز یک نحو افتراق هست. البته ترتیب کلمات هم مهم است. «بثّ»؛ الصاق و اجتماعی است که متفرق می‌شود. «ثبّ» برعکس است؛ افتراقی است که به اجتماع و الصاق برمی‌گردد؛ چون ابتدا «ث» است و بعد «ب» است. اینجا اول «ب» است و بعد «ث» است. این خیلی قشنگ است. پیدا کردن این ظرافت‌کاری‌ها در لغت، خیلی زیبا است؛ ارتباط معنای کلمه با حروف آن و حتی ترتیب حروف آن، کاری است که آقای حسن جبل کرده است.

در ما نحن فیه، «شبه» و «شکل» است. هر دوی این کلمه‌ها در کتاب «التحقیق فی کلمات القرآن» در یک جلد آمده است. اینها کلمات قرآنی است. ایشان از دو تا شروع می‌کند و بعد جلو می‌رود؛ یعنی در کلمه‌ی «شکل»، ابتدا از «شک» شروع می‌کند و بعد «یثلثه‌ما». در «شبه» هم از «شبّ» شروع می‌کند و بعد «یثلثه‌ما» را بررسی می‌کند؛ یعنی آن‌هایی که دنبال آن می‌آیند.

قبلاً هم عرض شد که نوعاً کلماتی که در زبان عرب «ش» دارد، از خود طبع صوت «ش» که تفشی در آن هست، به دست می‌آید که هر کلمه‌ای که «ش» دارد، یک جور تفرق در آن هست. فرق آن با «ث» که آن هم تفرق بود این بود که «ث» همان کثرت است: «کَثُر»؛ اما در «ش» گویا این تشعب، از یک اصلی، صورت می‌گیرد. خود «شعبه»، «شجر» و امثال اینها کلماتی هستند که این را دارند.

خُب «شَکّ» چه بود؟ آقای حسن جبل گفت و صوت آن را هم تحلیل می‌کند. خدمت شما هم عرض کردم؛ آقایانی که تشریف نداشتید، اگر به کتاب مراجعه کردید، به پاورقی‌های آن خیلی عنایت کنید. نگویید: اینها مطالب پاورقی است. در پاورقی ارتباط معنا را با صوت بیان می‌کند؛ آگوستیک صدا و اینکه این صدا چه کار می‌کند را، بیان می‌کند. در این کتاب این خیلی مهم است. لذا به پاورقی‌ها عنایت داشته باشید که ایشان چه کار می‌کند. «شکّ» را به این صورت معنا می‌کند؛ اصل معنای لغت را می‌گیرد و بعد جمع می‌کند. می‌گوید: «شکّ» یک چیز متشدد و متکثری است که بعد به «ک» منجر می‌شود؛ با یک نحو خاصی. البته گاهی ذهن ما با مطلبی که ایشان می‌گوید، موافق نمی‌شود. [در اینجا] آنچه که به ذهن طلبگی خودم می‌آید را عرض می‌کنم:

مثل «شبّ» است؛ «شبه» دو حرف اولش «شب» است. ایشان می‌گوید: «شب»، یک تکثری است که با رخوات و ضعف همراه است که با «ب» به الصاق و جمع می‌آید. «شباب» آن وقتی است که ضعف و فتور و پراکندگی وجود طفل به یک اجتماع و قوتی بر می‌گردد. خُب، «شبه» چیست؟ یک امر متفرقی است که به هم وصل می‌شوند و مجتمع می‌شوند. «ه» دلالت بر یک نحو سستی و وهن دارد. لذا «شب» چیزی است که متفرق است و با کامل اجتماع و وحدانیت با هم مجتمع می‌شوند. اما «شبه» چند امر هستند که با هم مجتمع می‌شوند اما اینطور نیست که یکی شوند؛ بلکه شبیه هم هستند. یعنی دو چیز است، یک چیز نیست. «ش» می‌گوید که چند چیز هستند. «شب» می‌گوید این چند چیز با هم ارتباط دارند و مجتمع هستند. اما نه اجتماعی که در یک واحد خارجی جمع شوند.

«ه» می‌گوید این‌ها با هم فاصله هم دارند.

حال «شکل» چطور است؟ ایشان برای «ل» یک معنایی دارند. مقدمه‌ی کتاب ایشان خوب است. وقتی معانی حروف را می‌گویند، در مورد «ل» می‌گویند: «ل تعلقٌ وأ امتدادٌ مع استقلال وأ تمیز»[1].

«شکّ» مثل «شاک فی السلاح»[2] است. یعنی چند چیز است که با یک چیز به هم مرتبط شده‌اند. «ش» آن چند چیز را می‌رساند. «ک» ما به الارتباط بین چند چیز است. لذا کسی که شک می‌کند، یعنی در یک مسأله چند گزینه دارد. «شاک فی السلاح» همین است؛ یعنی چند سلاح متعدد به یک بدن وصل می‌شود؛ گویا مثل سوزنی است که چند دانه را به هم وصل می‌کند؛ چند دانه تسبیح را با یک نخ ای سوزنی به هم وصل می‌کنید. گویا در «شک» به این صورت است که چند گزینه دارید، ولی همه‌ی این‌ها تحت یک محور و ما به الارتباطی قرار می‌گیرند.

«لام» به چه چیزی دلالت دارد؟؛ ایشان می‌گوید در آن یک نحو استمرار هست. یعنی این متفرق جمع-شده، اینطور نیست که به زودی بر طرف شود. «شکل» یعنی چند مؤلفه، با یک ما به الارتباط، با هم جمع شده‌اند و مستمر هم هست؛ به این زودی از دست نمی‌رود. اگر از دست برود که شکل نیست. این‌ها را از ذهن خودم می‌گویم. البته کتاب ایشان را هم دیدم. ولی فراموش می‌کنم که ایشان دقیقاً چه گفته است. در «لام» می‌گویند: «ل تعلقٌ وأ امتدادٌ مع استقلال وأ تمیز»[3] .

---

[1]. المعجم الاشتقاقی الموصل، ج ۱، ص ۴۱.

[2]. همان.

[3]. همان.

بازبینی #4
ایجاد شده 23 ژانویه 2024 12:59:54 توسط ... .
به روزرسانی شده 27 ژانویه 2024 13:44:09 توسط ... .